

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بررسی اهمیت و سیر تاریخی قضاوت در ایران قبل از اسلام تا دوران دوم خلافت عباسیان

تألیف: عباس و آله



انتشارات مکتب

سرشناسه	: واله ، عباس ۱۳۵۴
عنوان و نام پدیدآور	: بررسی اهمیت و سیر تاریخی قضاوت در ایران قبل از اسلام تا دوران دوم خلافت عباسیان / تألیف: عباس واله
مشخصات نشر	: همدان، انتشارات سکر، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۱۱۱ص
شابک	: 978-600-7538-78-4
وضعیت فهرست‌نویسی	: فیپا
یادداشت	: کتابنامه
موضوع	: قضاوت -- ایران - تاریخ
موضوع	: Judgment -- Iran -- History
موضوع	: عباسیان - تاریخ
موضوع	: Abbasids -- History
رده‌بندی کنگره	: ۱۲۰۶ ب۲ و / ۱۷۸۷ KMH
رده‌بندی دیویی	: ۳۴۷ / ۵۵۰۷۷
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۶ / ۰۷۲

بررسی اهمیت و سیر تاریخی قضاوت در ایران قبل از اسلام تا دوران دوم خلافت عباسیان

مؤلف: عباس واله

ناشر: انتشارات سکر



چاپ و صحافی: سرافراز

نوبت چاپ: اول

تاریخ انتشار: ۱۳۹۶

شابک: 978-600-7538-78-4

صفحه آرای: لیلا عوافی اکمل

تیراژ: ۱۰۰۰

بها: ۱۴۵۰۰۰ ریال -

«تمامی حقوق برای ناشر و مؤلفان محفوظ است»

پیشگفتار.....	۷
---------------	---

فصل اول: نهاد قضاوت و اهمیت آن در ایران باستان

مقدمه.....	۱۳
تعریف قضاوت.....	۱۳
تاریخچه قضاوت در ایران.....	۲۲
عوامل مؤثر بر تحولات حقوق - قضایی در ایران باستان.....	۲۳
جغرافیای طبیعی ایران و تحولات حقوقی-قضایی.....	۲۴
موقعیت مخصوص ژئوپولیتیک ایران (جغرافیای سیاسی).....	۲۴
خرد گرایی و دین زرتشت و تأثیر آن در میان زمامداران وقت.....	۲۵
نفوذ اندیشه‌های سیاسی حقوق قضایی یونان در ایران.....	۲۵
حقوق و قوانین قضایی در ایران.....	۲۶
تشکیلات دولت ایران و وضعیت قضایی آن.....	۲۷
جایگاه قضاوت در متون مذهبی ایرانیان.....	۲۸
قضاوت و عدالت در دولت‌های ایران باستان.....	۳۰
متون قضایی.....	۳۱
سیر تحول نظام قضایی در ایران.....	۳۴
نظام قضایی در عهد هخامنشی.....	۳۷
حقوق متهم.....	۳۸
نتیجه‌گیری.....	۳۹

فصل دوم: ظهور اسلام و گسترش نهاد قضاوت

مقدمه.....	۴۳
تعریف قضاوت در دیدگاه اسلام.....	۴۳

شرایط تاریخی، حقوقی و جغرافیایی شبه جزیره عربستان قبل از ظهور اسلام.....	۴۴
وضعیت نظام حقوقی و حقوق انسان در عربستان قبل از ظهور اسلام.....	۴۶
دوران جاهلیت.....	۴۶
اخلاق در جاهلیت.....	۴۶
آیین دادرسی.....	۴۷
جایگاه انسان در دین اسلام.....	۴۷
Error! Bookmark not defined. برابری همه در مقابل قانون	
Error! Bookmark not defined. برخورداری از برابر انسان‌ها در امر قضاوت	
نتیجه‌گیری.....	۴۸

فصل سوم: بررسی نهاد قضاوت در دو قرن پایانی عباسیان

مقدمه.....	۵۲
عباسیان.....	۵۲
دوره‌های خلافت عباسیان.....	۵۳
عصر اول عباسی (۱۳۲ هـ - ۷۵۰ م - ۲۳۱ - ۸۰۷ م).....	۵۴
عصر دوم عباسی (۲۳۲ هـ - ۸۴۷ م - ۴۴۷ - ۱۰۵۵ م).....	۵۵
عصر سوم عباسی (۴۴۷-۶۵۶ هـ - ۱۰۵۵ - ۱۲۵۸ م).....	۵۷
آغاز دعوت عباسیان به طور سری.....	۵۹
ساختار حکومت عباسیان و تأثیر آن از فرهنگ و ساختار ایرانیان.....	۶۲
خدمات ایرانیان در گسترش علوم زمان عباسیان.....	۶۵
دلایل کمک ایرانیان در به قدرت رسیدن عباسیان.....	۶۷
اهمیت دادرسی.....	۶۸
سیر تاریخی قضاوت.....	۷۰
اهمیت قضاوت در اسلام از دیدگاه قرآن و حدیث.....	۷۲
حکم قاضی تحکیم از دیدگاه فقه‌های شیعه و سنی.....	۷۲
حوزه عملی قاضی تحکیم.....	۷۳
اهمیت قضاوت.....	۷۳
نهاد قاضی القضاتی.....	۷۵

۷۹	فرایند تاریخی نهاد قاضی القضاتی
۸۲	ویژگی‌های قاضی
۸۵	منصب قضاء
۸۷	صلاحیت‌های قاضی (حدود اختیارات و وظایف قاضی)
۸۹	دیوان قضاء
۹۰	دیوان قضاوت در سلسله عباسیان و تحول آن نهاد
۹۳	همراهان قاضی در مجلس قضاوت
۹۳	علماء و فقهاء
۹۴	کاتب
۹۴	جامه قاضی
۹۶	حقوق قاضی
۹۸	مذهب قاضی
۹۹	نتیجه‌گیری
۱۰۴	منابع و مأخذ

پیشگفتار

حقوق قضایی و قضاوت و به تبع آن برخورداری از یک نهاد قضایی عادلانه از جمله مفاهیمی است که ریشه در خلقت و طبیعت بشری دارد و به انحاء مختلف در تمامی ادیان الهی و آموزه‌های دینی مورد بررسی قرار گرفته است. این حقوق از جمله قواعد حقوق طبیعی است که در چارچوب اصول کلی حقوق ذاتی تلقی می‌گردد و در نتیجه فراتر از اراده حاکمان، اصولی قهری، عام و فراگیر است که مشمول مرور زمان نخواهد شد و مختص به حیات فردی و اجتماعی بوده و خواهد بود. توجه به اهمیت فزاینده نهاد قضاوت و محوریت آن در تمامی مباحث مربوط به انسان و جوامع انسانی بوده است. آنچه مسئله بسیار مهم می باشد این است که قوه قضایی و برخوردار از حق عادلانه از جمله مصادیق حقوق بشری می باشد. حقوق بشر در یک برداشت جامع ناظر به مجموعه‌ای از قواعد، اصول، تمایلات و آرزوهای جوامع انسانی در حمایت و ارتقاء حقوق اساسی انسان می‌باشد و از این رو منشأ اصلی حقوق بشر، حقوق فطری بوده است که با توجه به خدایات‌های ذاتی نهفته در اصولی چون برابری، عدم تبعیض، آزادی، حق حیات، حق بر محیط زیست، حق بر صلح پایدار، حق بر داشتن محاکمه عادلانه و حق بر انتخاب محل سکونت و اقامت و... بر تدریج قواعد الزام‌آور و ضمانت اجراهای الزام‌آور برای نهاد قضاوت، برخورداری از عدالت قضایی، استقلال قضات و حق برخورداری از وکیل در این زمینه در تاریخ بشر وجود داشته و همزمان با تحول تمدن بشری این موضوع نیز متحول شده است. پدیده نهاد قضاوت نباید این مسئله را مختص به دوران امروزی و فقط و فقط به عنوان یک مقوله غربی مورد مطالعه قرار گیرد چرا که با بررسی تاریخچه کشورهای مختلف و علی‌الخصوص تاریخ ایران و یا بررسی دو آیین اسلامی و دین زرتشت هر دو حکایت از اهمیت بسیار به فطرت انسان و حقوق اولیه آن دارند به‌طوری که در دین زرتشت و اسلام رعایت عدالت و دادگری مطرح است. لذا می‌توان گفت که حقوق قضایی، حقوقی است که برای انسان و با قطع نظر از فرهنگ‌ها و ادیان به رسمیت شناخته شده است. این حقوق مبتنی بر کرامت انسانی است و برای بحث باید این تعریف کالبدشکافی شود و نقاط تقابل آن با دین مورد بررسی و مطالعه قرار گیرد. رعایت عدالت در میان انسان‌ها دارای سابقه تاریخی زیادی است و قبل از طرح نظریه تفکیک قوا و استقلال قوه قضاییه به شکل نوین، بحث عدالت و رعایت دادگری همواره در میان فلاسفه و علمای دینی مطرح بوده است. نهاد قضاوت هنجارهایی اخلاقی و قانونی برای حمایت همه ی انسان ها در همه جای دنیا در برابر سوءرفتارهای سیاسی، قانونی و اجتماعی هستند. سالیانی متمادی است که انسان در تکاپو برای دستیابی به این حقوق است. لکن از آنجا که

هدف از آفرینش انسان، سعادت و رستگاری است و با عنایت به اینکه خالق انسان‌ها هیچ کاری را بی‌سبب و بیهوده انجام نمی‌دهد، پس برای تحقق وعده‌ی خویش باید راهکاری داشته باشد و هرگز بشر را به حال خود وانمی‌گذارد. عنوان خلیفه‌ی الهی برای انسان باید معنا پیدا کند و راه برای رشد و تکامل انسانیت هموار گردد. بعد از تشکیل جامعه و ایجاد حکومت در جوامع انسانی و ایجاد نظام حکومتی، یکی از مهم‌ترین بخش‌های این نظام، حقوق اجتماعی و قضایی است. در اسلام نیز یکی از مبانی اصلی حقوق متقابل دولت و مردم، اصل حق و تکلیف است؛ یعنی این رابطه یک رابطه یک‌طرفه نیست که دولت فقط موظف به اجرای خواسته‌های مردم باشد و یا مردم تنها باید مطیع اوامر دولت باشند، بلکه این دو نسبت به هم تکالیف و حقوقی دارند.

بنابراین قضاوت و داوری ریشه در تاریخ داشته و دارای سابقه تاریخی گسترده‌ای در ایران، یونان باستان و جهان اسلام است. در طول تاریخ، اختلاف و ترافع از بدو آفرینش در بین مردم ملل مختلف سابقه داشته و شیوه‌های مختلفی برای حل و فصل اختلافات فی مابین افراد و جوامع وجود داشته است. از حل بهری و توأم با زور مسأله و یا قضاوت حکام و پادشاهان گرفته و یا قضاوت امرا و قضات و نهادهای ویژه حکومت‌ها، همه و همه در مقام قضاوت نسبت به مسائل مطروحه یا ارجاع بدانها و حل و فصل دعوت و اختلافات بین مردم بوده‌اند. در این میان، فاصله بین بازداشت و دستگیری متهم تا اثبات مجرمیت یا بی‌گناهی وی از حیث عاطفی، روحی و روانی، وضعیت غیرعادی و خاصی را بر می‌آورد که امکان دفاع او را نسبت به خود تحت تأثیر قرار می‌داد. بیشتر مردم یا فاقد دانش حقوقی و قانونی لازم بوده و یا با فن و مهارت دفاع حقوقی و قضاوت دعاوی ناآشنا به داد می‌رسند. همین مهم در کنار تخصصی بودن مسئله داوری و لزوم دفاع از آنها و استیفای حق آنان، ضرورت ظهور و حضور این رشته را در ابعاد زندگی و کار مردم و جامعه بتدریج، آشکار ساخته و اهمیت آن نیز تدریجاً، نمایان گشت با ظهور اسلام و تأکید آن بر برابری انسان‌ها و رعایت عدالت و تأکید اسلام بر آن امر قضاوت و دادگری در کانون توجه زمام داران وقت قرار گرفت اما به رغم اهمیت بسیار، نهاد قضاوت در تاریخ اسلام کمتر مورد توجه و پژوهش قرار گرفته است. در آغاز پیدایش اسلام، پیامبر به عنوان پیغام‌گذار و حاکم، منصب قضاوت را نیز بر عهده داشت و پس از ایشان نیز تا زمان خلافت خلیفه دوم این چنین بود. خلیفه دوم منصب قضاوت را از حکومت جدا کرد. برای شهرها افزون بر والی، قاضی نیز تعیین کرد. تا زمان خلافت هارون الرشید روند امور به همین شکل بود و در زمان این خلیفه قاضی ابویوسف به عنوان قاضی القضاات برگزیده

شد و به عنوان مشاور خلیفه در امور قضایی منصوب شد. از آن پس قضات شهرها با مشورت قاضی القضاة تعیین می‌شدند. قاضی منصوب شده بر کتاب دارالعدل و عوامل اجرایی نظیر شرطه‌ها مدیریت می‌کرد و افزون بر این با عدول و شهود محکمه قضاء سر و کار داشت. پیوستگی منصب قضاء با حکم خلیفه شاید مانع از آن می‌شد که به دعاوی بر ضد اقدامات خلاف شرع یا مظالم عمال دستگاه خلافت رسیدگی شود با این همه آزادی برخی قضات به آنان جرأت احقاق حقوق مظلوم را می‌داد. در این کتاب بر آن هستیم تا ضمن پی بردن به پیشینه و ساز و کار و ساختار نهاد قضاوت در دو سده پایانی خلافت عباسی، به نحوه تعامل قضات و خلفا نیز پی ببریم.